

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

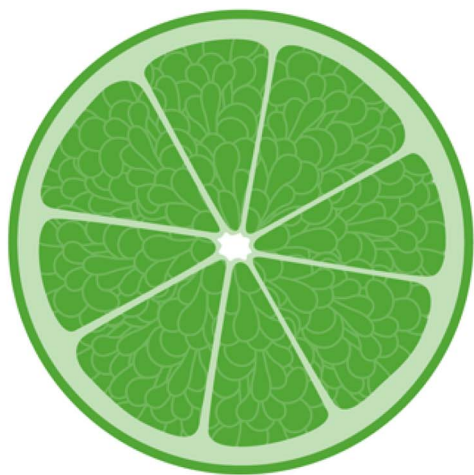
تیسگرد

راهنمای گرامر و نکات کاربردی

American English File

3

Intermediate



راهنمای گرامر و نکات کاربردی
American
English File 3

جلد سوم

چاپ دوم : بهار ۱۳۹۳
گرد آوری و تالیف : علیرضا معتمد



TahlilGaran .org

سرشناسه	: معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: راهنمای گرامر و نکات کاربردی / American English File / گردآوری و تالیف علیرضا معتمد.
مشخصات نشر	: تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ج. ۴: جدول : ۰/۵×۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: دوره ۷-۳۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج. ۱: ۴-۳۸-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج. ۲: ۱-۳۹-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج. ۳: ۷-۴۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج. ۴: ۴-۴۱-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸
فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر راهنمایی بر کتاب "American English file" تالیف کلایو آکسندن ... و [دیگران] می‌باشد.
یادداشت	: واژه‌نامه.
مندرجات	: ج. ۱: Elementary .ج. ۲: Pre-Intermediate .ج. ۳: Intermediate .ج. ۴: Upper-Intermediate
موضوع	: زبان انگلیسی -- راهنمای آموزشی -- فارسی‌زبانان
شناسه افزوده	: آکسندن، کلایو
شناسه افزوده	: Oxenden, Clive
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۲م / ۱۱۲۸ PE
رده بندی دیویی	: ۴۲۸/۰۰۷۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۱۰۸۶۶

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم،
پلاک ۱۸، واحد ۲ تلفن: ۸۰۸۰۱۲۲۳
سایت اینترنت: www.TahlilGaran.org
پست الکترونیک: info@TahlilGaran.org

انتشارات تحلیلگران

ناشر آموزش از راه دور زبان انگلیسی

نام کتاب: راهنمای گرامر و نکات کاربردی American English File – جلد سوم

گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۳

قطع رقعی: ۶۴ صفحه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۷-۳۷-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

شابک: ۷-۴۰-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۴۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی American English File، یکی از بهترین محصولات آموزشی انتشارات دانشگاه آکسفورد بوده که جهت آموزش زبان انگلیسی با لهجه آمریکایی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری، شیوه تلفظ صحیح و ... بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسهها، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان در کنار آموزشهای آکادمیک می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید و راهنمای تلفظ لغات هر درس از امریکن انگلیش فایل می باشد که در چهار جلد ویژه هر سطح ارائه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی امریکن انگلیش فایل مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

موفق باشید

علیرضا معتمد

موسس و مدیر مسئول



فهرست مطالب :

- ۶ یادآوری زمان حال ساده ✓ درس ۱.
یادآوری زمان حال استمراری ✓
افعال حرکتی و غیرحرکتی ✓
یادآوری زمان گذشته ساده و گذشته استمراری ✓
یادآوری زمان گذشته کامل ✓
کاربرد shall و will ✓
کاربرد be going to ✓
- ۱۶ یادآوری زمان حال کامل ✓ درس ۲.
زمان حال کامل استمراری ✓
صفت تفضیلی ✓
صفت عالی ✓
- ۲۶ بیان الزام در زبان انگلیسی ✓ درس ۳.
کاربرد must و might و can't ✓
کاربرد be able to و could و can ✓
- ۳۱ جملات شرطی حقیقی ✓ درس ۴.
جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول و دوم ✓
کاربرد used to ✓
- ۳۷ کاربرد Quantifier ها ✓ درس ۵.
حرف تعریف نامعین و معین ✓
کاربرد مصدر و اسم مصدر ✓

۴۴	<ul style="list-style-type: none"> ✓ نقل قول مستقیم و غیر مستقیم ✓ جملات معلوم و مجهول ✓ ضمایر ربطی 	درس ۶.
۵۱	<ul style="list-style-type: none"> ✓ جملات شرطی غیر حقیقی نوع سوم ✓ جملات پرسشی ضمیمه ✓ جملات پرسشی غیر مستقیم ✓ افعال دو جزئی 	درس ۷.
۵۸		فهرست موضوعی واژگان
۶۴		فهرست منابع و مراجع



Unit 1

Grammar

☑ یادآوری زمان حال ساده :

در زبان انگلیسی برای بیان حقایق و یا امور روزمره و روتین از زمان حال ساده استفاده می شود. مثلاً جمله (من انگلیسی می خوانم.) به معنی خواندن زبان انگلیسی بصورت روزمره و تکراری می باشد و یا جمله (در فصل تابستان زمین گرم می شود.) به مفهوم بیان حقایق در خصوص فصلها است. ساختار جملات زمان حال ساده بصورت زیر می باشد:

(مفعول یا سایر ترکیبهای مکمل) + فعل + فاعل

به مثال زیر توجه نمایید :

I Speak *English*.

You Speak *English*.

I , You فاعل جملات و Speak فعل و *English* مفعول می باشد.

☑ پاسخ کوتاه به جملات پرسشی :

در پاسخ کوتاه به جملات پرسشی زمان حال ساده می توان از ترکیبهای زیر استفاده نمود:

Do you speak English?

Yes, I **do**.

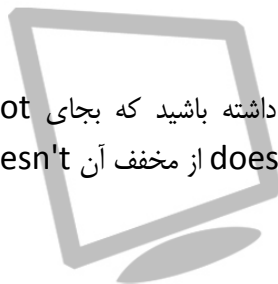
Does she speak English?

Yes, she **does**.

توجه داشته باشید که بجای do not می توان از مخفف آن don't و بجای does not از مخفف آن doesn't استفاده نمود:

Do you speak English?

No, I **don't**.



☑ یادآوری زمان حال استمراری:

فعل حال استمراری رویدادی است که در زمان حاضر در حال وقوع بوده و همچنین تکرار پذیر باشد. مثال :

I am smoking now.

هم اکنون من دارم سیگار می کشم.

جمله فوق استمرار سیگار کشیدن در حال حاضر را نشان می دهد. در حالیکه جمله I smoke a cigarette به مفهوم عادت سیگار کشیدن است. (من کلا سیگار می کشم) ساختار جملات حال استمراری بصورت زیر می باشد:

ing + فعل اصلی + am, is, are + فاعل

مثال:

I am wearing jeans.

You are walking to work.

It is working.

توجه : برای ساختن ترکیبهای منفی زمان حال استمراری، کافیسیت پس از افعال am, is, are از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن am, is, are به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال :

I am not wearing jeans.

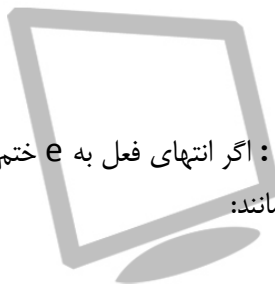
Are you walking to work?

Yes, I am.

No, I am not.

توجه : اگر انتهای فعل به e ختم شود، هنگام اضافه شدن -ing به آن، e حذف می شود. مانند:

write ► writing



توجه : اگر انتهای فعل به حرف بی صدا ختم شود و ماقبل آن حرف صدادار قرار داشته باشد، هنگام اضافه شدن -ing به فعل، حرف بی صدا تکرار می شود. مانند:
run ► running

☑ افعال حرکتی و غیر حرکتی :

افعال حرکتی یا action verbs افعالی هستند که صورت گرفتن عملی را نشان می دهند. مانند: دویدن، راه رفتن، نوشتن و ...
افعال غیر حرکتی یا state verbs افعالی هستند که برای نشان دادن حالتی بکار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...
مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از :

Thinking & opinions: believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

Sense: appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

توجه : افعال غیر حرکتی معمولاً بصورت استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند.
مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.

☑ یادآوری زمان گذشته ساده :

زمان گذشته ساده برای بیان فعلی استفاده می شود که در گذشته اتفاق افتاده و خاتمه پیدا کرده باشد. مثال :

I worked yesterday.

من دیروز کار کردم.

ساختار زمان گذشته ساده بصورت زیر می باشد:

گذشته فعل اصلی + فاعل

توجه : افعال با قاعده با افزودن -ed به انتهای آنها به فعل گذشته ساده تبدیل می گردند. مانند :

rain ► rained

work ► worked

توجه : زمانیکه انتهای فعل به e ختم شده باشد، برای ساختن زمان گذشته فعل ، افزودن -d به انتهای آن کافی می باشد. مثال :

exercise ► exercised

توجه : زمانیکه انتهای فعل به y ختم شده باشد و قبل از y حرف بیصدا وجود داشته باشد، y حذف شده و بجای آن -ied قرار می گیرد. مانند :

study ► studied

توجه : زمانیکه انتهای فعل به y ختم شده باشد و قبل از y حرف صدادار وجود داشته باشد، گذشته فعل بصورت عادی -yed نوشته می شود. مانند :

play ► played

توجه : اگر انتهای فعل به حروف صدا دار (a, e, i, o, u) ختم نشود ولی ماقبل آن حرف صدا دار باشد، هنگام اضافه شدن -ed حرف آخر تکرار می شود. مانند :

stop ► stopped

☑ یادآوری زمان گذشته استمراری :

زمان گذشته استمراری برای اموری استفاده می شود که در زمان مشخصی از گذشته رخ داده و در همان زمان استمرار داشته است. مثال:

I was listening to the radio yesterday.

من دیروز داشتم به رادیو گوش می کردم.

جمله فوق استمرار گوش دادن به رادیو را در زمان گذشته نشان می دهد. ساختار جملات گذشته استمراری بصورت زیر می باشد:

ing + فعل اصلی + was/were + فاعل

مثال :

I was watching TV.

من داشتم به تلویزیون نگاه می کردم.

توجه : برای ساختن ترکیبهای منفی زمان گذشته استمراری، کفایت پس از افعال was, were از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن was, were به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال :

Was he sitting in the garden?No, he **wasn't**.

توجه : برای بیان اموری که در زمان گذشته استمرار داشته و با کار دیگری برخورد می کند، زمان گذشته استمراری همراه با یک جمله حال ساده (که معمولا با عبارت when همراه است) بکار می رود. مثال:

He was watching TV **when** we arrived.

زمانیکه ما رسیدیم، او داشت تلویزیون نگاه می کرد.

☑ کاربرد while و as در زمان گذشته استمراری :

کلمات while و as به معنی (هنگامیکه) در ابتدای جملات گذشته استمراری هنگام اتصال به جملات گذشته ساده بکار می روند. مثال:

While you were driving, I saw you.

هنگامیکه داشتید رانندگی می کردید، من شما را دیدم.

I was watching TV **as** he came.

هنگامیکه او آمد، داشتم تلویزیون نگاه می کردم.



توجه : هنگامیکه **when, while, as** در وسط جمله بکار رود، علامت (,) حذف می شود، در غیر اینصورت از (,) مابین جمله گذشته ساده و گذشته استمراری استفاده می کنیم. مثال:

I saw you **while** you were driving.

While you were driving, I saw you.

هنگامیکه داشتید رانندگی می کردید، من شما را دیدم

☑ یادآوری زمان گذشته کامل :

زمان گذشته کامل یا ماضی بعید، بیانگر عملی است که در گذشته دور (قبل از عمل دیگری در گذشته) کامل شده باشد. معمولاً این زمان همراه با یک جمله کوتاه گذشته ساده همراه است. ساختار زمان گذشته کامل بصورت زیر می باشد:

(جمله کوتاه گذشته ساده + کلمه ربط) + اسم مفعول + had + فاعل

مثال:

I had arrived when you called.

وقتی تماس گرفتی، رسیده بودم.

در زمان گذشته کامل، **had** فعلی کمکی می باشد. لذا برای سوالی نمودن جمله می بایست **had** را به ابتدای جمله آورده و همچنین در ترکیبهای منفی، **not** را به **had** اضافه می کنیم. مثال:

I **hadn't** seen the movie when it came out on DVD.

من فیلم را ندیده بودم زمانیکه روی دی وی دی منتشر شد.

Had the film finished when you went there?

آیا زمانیکه به آنجا رسیدی، فیلم تمام شده بود؟

توجه : قیدهای زمان زیر معمولاً در قسمت گذشته ساده بکار می روند:

when (هنگامیکه) , before (قبل از اینکه) , by (تا)

مثال:

By 2001, she had already met her husband.

I had already seen the movie **when** it came out on DVD.

I had learned to speak Greek **before** I graduated.

توجه: قیده‌های زمان زیر معمولاً در قسمت گذشته کامل بکار می‌روند:

after (بعد از اینکه) , as soon as (به محض اینکه)

مثال:

I became a good driver **after** I had finished my work.

I became a good driver **as soon as** I had graduated.

توجه: معمولاً کلمه **already** به معنی **(قبلاً)** پس از **had** و قبل از اسم مفعول

بکار می‌رود. مثال:

I hadn't **already** seen them.

توجه: گاهی در مکالمه‌های غیر رسمی بجای زمان گذشته کامل، از گذشته ساده

نیز استفاده می‌شود. مثال:

Before I graduated, I learned to speak Chinese.

کاربرد **will, shall** :

از **will** می‌توان برای **قول دادن انجام کار** یا **بیان پیشنهاد** در زمان حال

استفاده نمود. مثال:

We **will** send you a postcard.

ما قول می‌دهیم که برای شما یک کارت پستال ارسال کنیم.

I'll open the door for you.

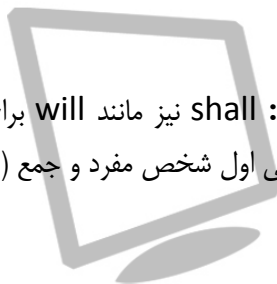
چطور است که درب را برایتان باز نمایم؟

توجه: **shall** نیز مانند **will** برای قول دادن انجام کار یا بیان پیشنهاد در جملات

پرسشی اول شخص مفرد و جمع (I و we) بکار می‌رود. مثال:

Shall I lend you some money?

چطور است که مقداری پول به شما قرض دهم؟



☑ کاربرد زمان حال استمراری در آینده ساده :

از جملات حال استمراری می توان جهت برنامه ریزی انجام فعل در زمان آینده ساده استفاده نمود. مثال:

I am working tomorrow.
 You are taking a day off next week.
 He is leaving tonight.
 We are meeting him for lunch.
 They are going home after the lesson.

Are you going home after the lesson?
 No, I'm not.

☑ کاربرد going to در آینده ساده :

از ترکیبات going to می توان جهت بیان تصمیم انجام فعل در زمان آینده ساده استفاده نمود. مثال:

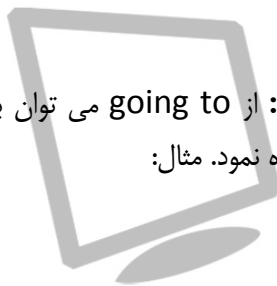
I am going to lose weight.
 قصد دارم تا وزن کم کنم.
 He is going to learn Japanese.
 او قصد دارد تا زبان ژاپنی بیاموزد.

به ترکیبهای سوالی و منفی زیر توجه نمایید:

Are you going to join a gym?
 No, I'm not.
 Yes, I am.

توجه: از going to می توان برای پیش بینی آینده بر اساس وقایع جاری نیز استفاده نمود. مثال:

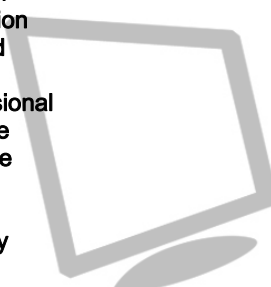
I'm going to start work.
 It is going to fall.



📌 Vocabulary

accident
according to
adjust
admit
advantage
affect
age gap
amount
atmosphere
awful
ban
be addicted (to something)
bee
bite
blame
bowl
career
celebrity
cereal
cheat
cheer
chef
close
club
compete
complicated
cool
couple
cousin
coworker
crash
criticize (somebody)
crowd
cut down (on something)
deaf
decision
defend (somebody)
definitely
depressed

half-brother
half-sister
healthy
heat up
honey
improve
infamous
in-laws
jockey
kids
liquid
loss
make up (after an argument)
meal
nephew
nervous
niece
nuclear family
offer
only child
pain
partly
peak
physical education
pick
pinch
plant
pleasure
position
prediction
pretend
price
professional
promise
promote
proper
protest
quantity
rare



description
diet
disadvantage
discover
discovery
disgrace
dish
divorce
drop (something)
earn money
eat out
even
examine
exception
exciting
experience
extended
fail
failure
fair
fall down
fashionable
fast food
fat
favorite
founder
fuel
generation
generous
get better
glamour
great-grandparents
guest

ready-to-eat
recognition
recover
relationship
relative
retire
retirement
reunion
salad
service
serving
shape
single-parent
snack
soup
spiky
stand out
stepfather
stepmother
stew
still
strict
sweet tooth
sword
talent
teenager
thin
tie
top
touch
trophy
truth
TV commentator
typical
unhealthy
variety
vegetarian
well-done
westernized
whole wheat
wide
worry (about something)

Unit 2

Grammar

☑ یادآوری زمان حال کامل :

به عبارت (علی به مدرسه رفته است) توجه نمایید. این جمله به مفهوم رفتن علی در گذشته می باشد و در حال حاضر نیز اثر رفتن علی مشخص بوده و تا کنون ادامه دارد. به این زمان حال کامل یا ماضی نقلی گفته می شود. به عبارت دیگر حال کامل زمانی است که در گذشته شروع شده و نتیجه و اثر آن در حال حاضر باقی مانده باشد. ساختار جملات حال کامل بصورت زیر می باشد:

قسمت سوم فعل + have / has + فاعل

مثال :

He learns English every day.

او هر روز انگلیسی می آموزد (حال ساده)

He has learned English for two years.

او برای مدت دو سال انگلیسی خوانده است. (حال کامل)

توجه : در انتهای جملات حال کامل معمولا از for به معنی (برای مدت ...) یا since به معنی (از ...، تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود. مثال :

She has lived in Iran **since** 1380.

او از سال ۱۳۸۰ تا کنون در ایران زندگی کرده است.

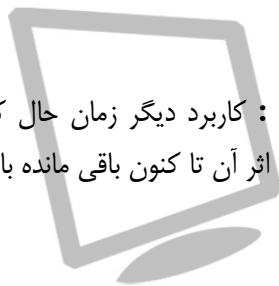
She has lived in Iran **for** two years.

او برای دو سال در ایران زندگی کرده است

توجه : کاربرد دیگر زمان حال کامل در جملاتی است که از گذشته نامعلوم شروع شده و اثر آن تا کنون باقی مانده باشد. مثال :

I haven't gone there.

من به آنجا نرفته ام



☑ قسمت سوم فعل (اسم مفعول) :

اسم مفعول یا قسمت سوم افعال با قاعده با افزودن **-ed** به انتهای آنها (مانند زمان گذشته ساده) بدست می آید. درخصوص افعال بی قاعده قسمت سوم آنها از قاعده خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. قسمت سوم برخی از افعال بی قاعده بصورت زیر است:

have ▶ had	go ▶ gone	see ▶ seen
begin ▶ begun	sing ▶ sung	do ▶ done
take ▶ taken	draw ▶ drawn	
choose ▶ chosen	forget ▶ forgotten	

☑ کاربرد **for, since, yet, just** :

همانطور که در مثالهای قبل دیدیم، انتهای جملات حال کامل معمولا از **for** به معنی (برای مدت ...) یا **since** به معنی (از ... تا کنون) به همراه قید زمان استفاده می شود. مثال:

I've worked here **for** six years.

We've lived in this house **since** 1995.

yet به معنی (هنوز) در جملات منفی یا پرسشی و **just** به معنی (چند لحظه قبل) در جملات مثبت و **already** به معنی (پیش از این) در جملات مثبت نیز می تواند بکار رود. مثال:

Have you had breakfast **yet**?

No, not **yet**.

I haven't had a shower **yet**.

I've **just** made some coffee.

They've **just** got up.



They've **already** gone to work.

توجه : همانطور که دیده می شود، **just** و **already** مابین فعل کمکی **have**، **has** و اسم مفعول بکار می روند. همچنین **yet** معمولاً در انتهای جملات حال کامل نوشته می شود.

توجه : گاهی از **before** به معنی (قبلاً) در انتهای جملات حال کامل استفاده می شود. مثال:

I haven't seen her **before**.

توجه : در جملات حال کامل می توان از **since** به همراه یک جمله کوتاه حال ساده نیز استفاده نمود. مثال:

I haven't seen that book **since** you came here.

توجه : گاهی کلمات **ever** و **never** در زمان حال کامل مابین فعل کمکی **have**، **has** و اسم مفعول بکار می روند. مثال:

Have you **ever** seen Isfahan?

No, I have **never** seen it.

☑ زمان حال کامل استمراری :

زمان حال کامل استمراری، بیانگر عملی است که در زمان بخصوصی از گذشته آغاز گشته و تا کنون بصورت مستمر ادامه داشته باشد. ساختار زمان حال کامل استمراری بصورت زیر می باشد:

قید زمان + **for + ing + فعل + have/has + been + فاعل**

مثال:

I have been learning English for a long time.

برای مدت طولانی به آموختن زبان انگلیسی پرداختم و تا کنون نیز ادامه دارد.

به ترکیبهای پرسشی و منفی زمان حال کامل توجه نمایید:

I haven't been learning English for a long time.

Has she been learning English for a long time?

توجه : همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، افعال غیر حرکتی معمولاً بصورت استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند. افعال غیر حرکتی یا state verbs افعالی هستند که برای نشان دادن حالتی بکار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...

مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از :

Thinking & opinions: believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

Sense: appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.



✓ صفت تفضیلی :

صفت تفضیلی برای مقایسه برتری دو اسم نسبت بهم بکار می رود. مانند **علی از مریم بلندقدتر است**. در این جمله **بلندقدتر** صفت تفضیلی می باشد. در زبان انگلیسی صفت تفضیلی با افزودن **-er** به انتهای صفت‌های تک سیلابی بدست می آید. مثال :

بلندتر : taller ▶ بلند : tall

علی از ماری قدبلندتر است. Ali is taller than Mary.

than در جملاتی که دارای صفات تفضیلی هستند به معنی **(از)** جهت مقایسه دو اسم بکار می رود.

مثال :

This book is not cheaper **than** that book.

این کتاب ارزان تر از آن کتاب نیست

توجه : هنگام افزودن **-er** به انتهای صفت‌های تک سیلابی که حرف انتهایی آنها بی صدا بوده و حرف ماقبل آخر صدادار است، حرف انتهایی تکرار می شود. مانند bigger , fatter , hotter

✓ سیلابها در زبان انگلیسی :

به لغاتی مانند cat , dog , horse که در یک بخش ادا می شوند ، کلمات تک سیلابی گفته می شود. لغاتی مانند monkey , dolphin که در دو بخش ادا می شوند ، کلمات دو سیلابی گفته می شوند. همینطور لغاتی مانند kangaroo , elephant که در سه بخش ادا گردیده و سه سیلابی هستند.

همانطور که دیدید در صفت‌های تک سیلابی مانند tall و old ، صفت تفضیلی با افزودن -er به انتهای لغت تشکیل می شود. مانند: taller و older

☑ صفت تفضیلی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت تفضیلی با افزودن more به ابتدای لغت تشکیل می شود. مانند : more beautiful
به مثالهایی در این زمینه توجه نمایید:

My mother is older than your mother.

مادر من از مادر تو مسن تر است

My father is more hardworking than my uncle.

پدر من از عمویم سختکوش تر است

☑ صفت های تفضیلی بی قاعده :

بعضی صفت‌های تفضیلی بی قاعده بوده و با افزودن -er به انتهای صفت ساخته نمی شوند. مانند :

Good : خوب ► Better : بهتر

Bad : بد ► Worse : بدتر

far : دور ► further : دورتر

☑ کاربرد less :

گاهی صفت‌های تفضیلی چند سیلابی با less به معنی (کمتر) بجای more به معنی (بیشتر) نوشته می شوند. در این حالت جمله مفهوم منفی خواهد داشت. مثال :

My book is **more** expensive than your book.

کتاب من از کتاب شما گرانتر است

Your book is **less** expensive than my book.

کتاب شما از کتاب من گرانتر نیست

☑ صفت عالی :

صفت عالی برای مقایسه برتری میان چندین اسم بکار می رود. مانند **علی بلندقدترین دانش آموز است**. در این جمله **بلندقدترین** صفت عالی می باشد. در زبان انگلیسی صفت عالی با افزودن **-est** به انتهای صفت‌های تک سیلابی ساخته می شود. مثال :

بلندترین : tallest ► بلند : tall

علی قدبلندترین دانش آموز است. Ali is the tallest student.

توجه : the در جملاتی که دارای صفات عالی هستند همیشه قبل از صفت عالی بکار می رود. مثال :

علی جوانترین بچه است. Ali is the youngest child.

☑ صفت عالی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت عالی با افزودن **most** به ابتدای لغت ساخته می شود. مانند : **most beautiful** مثال :

Isfahan is the most beautiful city in Iran.

اصفهان زیباترین شهر ایران است



☑ صفت عالی بی قاعده :

بعضی صفت‌های عالی بی قاعده هستند و با افزودن **-est** به انتهای صفت ساخته نمی‌شوند. مانند :

- Good : خوب ► Best : بهترین
 Bad : بد ► Worst : بدترین
 far : دور ► furthest : دورترین

☑ ترکیب much با صفت عالی :

ترکیب much با صفت عالی به آن مفهوم **(خیلی)** می‌دهد. (در این حالت از very استفاده نمی‌شود) مثال:

This book is **much** cheaper than that book.
 این کتاب از آن کتاب بسیار ارزانتر می‌باشد.



👉 Vocabulary

afraid
ahead of
amazing
angry
apartment
apes
apply for (a job)
approximately
argue
as soon as
aside from
average
bag of chips
belongings
bill
blazing
blow
boiling
bright
broke
can (of soda)
chain store
coat
contacts
convenient
credit card
culture
cyclist
dangerous
deep
delicious
dining car
dirty
distraction
elementary school
enormous
equally
estimate
exchange

horrible
increase
insane
judge (somebody)
keeper
line
mall
manager
mistake
mistreated
out of breath
own
passenger
pay attention
pay raise
possessions
questionnaire
quick
race
rescue
rescue
rob
safe
safety
scenery
schedule
seat
security
service station
set off (on a trip)
set up (a business)
smooth
social life
spend
starving
stressed
subway
take care (of)
take time off

exciting
exhausted
Exit (sign)
expert
farmhouse
fast
ferry
fill up
filthy
freezing
furious
give away (money, etc.)
give up (smoking)
good-tasking
greedy

terrified
throw away
tiny
tired
toothpaste
tour guide
trivial
truck
tunnel
turn up (= appear, arrive)
unfamiliar
union
wallet
wealthy
wheel
whole
year off



Unit 3

Grammar

☑ بیان الزام در زبان انگلیسی :

can, may, be allowed to به معنی مجاز بودن و انتخاب آزادانه امور در جملات بکار می رود. مثال:

We **can** have lunch any time we want.
Everyone **was allowed to** leave early.

don't have to, needn't برای بیان مواردی استفاده می شود که انجام آن ضروری نباشد. مثال:

You **needn't** finish that report today.
I **didn't have to** go to the meeting.
must, have to, have got to, be supposed to, can't, mustn't, must never به معنی **ضرورت و اجبار** در جملات بکار می رود.
مثال:

Sally **has to** work eight hours a day.
You **mustn't** smoke in the office.
The nurses **had to** wear a blue uniform.
We **weren't supposed to** send personal emails.

should, ought to به مفهوم **بہتر است که ...** جهت بیان و درخواست نصایح، راهنمایی و پیشنهاد و الزام اخلاقی در جملات بکار می رود. مثال :

I am tired. I **should** go to bed .
My mother is ill. She **should not** go to work .
You **ought to** keep a first aid kit in your car.
You **shouldn't** leave medicine where children can reach it.

☑ کاربرد **must, might, can't** در نتیجه گیری و قیاس :

must به مفهوم نتیجه گیری در جملات انگلیسی، هنگامی که از نتیجه فعل مطمئن باشیم، بکار می رود. مثال:

He **must** be very rich if he's got a Rolls-Royce.

might زمانی که از نظر گوینده نتیجه محتمل است، بکار برده می شود. مثال:

The shutters are closed. She **might** be asleep.

can't زمانی که از نظر گوینده نتیجه غیر محتمل و بعید باشد، بکار برده می شود. مثال:

They **can't** be poor if they live in the most expensive part of town.

توجه: در مفهوم نتیجه گیری و قیاس، **can't** منفی **must** می باشد. مثال:

It **must** be difficult to live without electricity.

It **can't** be easy to live without electricity.

☑ کاربرد **can, could, be able to, managed to** :

عبارتهای **can, could, be able to** به عنوان **توانایی عمومی** در جملات حال یا گذشته ساده بکار برده می شوند. مثال:

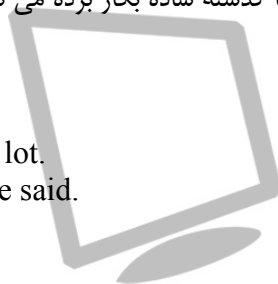
I **can** speak French.

Many dogs **are able to** swim.

She **could** swim when she was a child.

He had a car so he **was able to** travel a lot.

I **was able to** understand everything she said.



عبارت **be able to** و **managed to**, **succeeded in**, **couldn't** برای

بیان توانایی در یک موقعیت خاص در زمان گذشته بکار برده می شوند. مثال:

They **were able to** book the flights on the Internet.

We all **managed to** pass the English test.

She **succeeded in** passing all her exams.

Have they **managed to** cure him?

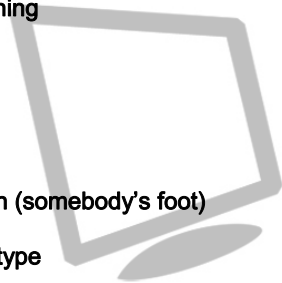
We **have been able to** save enough money for a holiday.



📌 Vocabulary

(a) date
 (be) good / bad at (something)
 accountant
 advice
 agreement
 aim
 allowed
 amazed
 ambitious
 amputate
 annoy (somebody)
 appearance
 as long as
 aside from
 attack
 background
 believe
 booth
 bring up
 busy
 call back
 cheek
 compare
 complain (about something)
 corner
 crazy
 dehydrated
 deliberately
 depressing
 determined
 dial
 direct
 disappointed
 disappointing
 disgusting
 do (somebody) a favor
 elegant
 embarrassed
 embarrassed

majority
 make a living
 make an effort
 manage to (do something)
 manners
 masculine
 mention
 musical instrument
 musician
 noisy
 owner
 perfect
 permitted
 polite
 pour (a drink)
 present
 private
 promising
 proud
 qualify
 renew (a passport)
 research
 reverse
 ride
 ring
 ring tone
 rude
 sail
 scream
 seasoning
 shark
 shave
 shout
 skinny
 smile
 spy
 step on (somebody's foot)
 steps
 stereotype



embarrassing
expect
fail
failure
For goodness sake!
frightened
frightening
frustrated
frustrating
gift
give up (= stop trying)
guests
gymnastics
hands-free
hang up
hideous
hips
honk
huge
idiot
improve
judge
keep on
leave (a message)
look like (somebody)

swallow
take up (a hobby)
tear
tennis shoes
text
thin
thrilled
toe
translate (into)
turn (something) off / on
vain
vice versa
wave
wave
wig
wisely



Unit 4

Grammar

☑ جملات شرطی :

در زبان انگلیسی جملات شرطی از دو قسمت if-clause (شرط) و main-clause (پاسخ شرط) تشکیل می گردند.

به عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید توجه نمایید.
در این عبارت اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی جمله شرطی (if clause) و عبارت به جوش می آید پاسخ شرط (main clause) خواهد بود.

☑ جملات شرطی حقیقی :

جملات شرطی حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیانگر یک واقعیت کلی بوده و همواره صحیح می باشند. مانند: (اگر آب را تا ۱۰۰ درجه گرم کنی، به جوش می آید)
جملات شرطی حقیقی بصورت زمان حال ساده در هر دو قسمت (شرط) و (پاسخ شرط) نوشته می شود. مثال :

If you heat water to 100C, it boils.

If there is something good on, I usually stay in and watch TV.

If I eat too much, I gain weight.

توجه: برای بیان نصیحت یا توصیه دادن در خصوص امری، می توان از جملات امری و یا جملاتی که با should در زمان حال ساده آغاز شده باشند در قسمت پاسخ شرط، استفاده نمود. مثال:

If there's an accident, call the police.

If the road is flooded, don't try to drive.

If you cycle on a busy road, you should wear a helmet.

If you see a bear, you shouldn't run after it.
If there's a fire, what should we do?

☑ جملات شرطی غیر حقیقی:

جملات شرطی غیر حقیقی به جملاتی گفته می شود که بیان آن با احتمال همراه است. جملات شرطی غیر حقیقی به سه نوع جملات شرطی نوع اول ، نوع دوم و نوع سوم تقسیم می شوند.

☑ جملات شرطی غیر حقیقی نوع اول:

جملات شرطی نوع اول به جملاتی دلالت دارد که احتمال رویدادی در آینده نزدیک را به شرط انجام فعلی در زمان حال بیان نماید. مثال:

If I have time, I will phone you.

اگر زمان داشته باشم به تو تلفن خواهم کرد

ساختار جملات شرطی نوع اول بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ در زمان آینده ساده , جمله شرط در زمان حال ساده if

مثال :

If he studies hard, he will pass the exam.

اگر به سختی درس بخواند در آزمون قبول خواهد شد.

If I have time, I'll finish the homework this afternoon.

اگر فرصت داشته باشم، تمریناتم را این بعدازظهر تمام خواهم کرد.

همچنین می توان جملات شرطی نوع اول را بصورت زیر نیز بکار برد:

جمله شرط در زمان حال ساده if جمله پاسخ در زمان آینده ساده

مثال :

He will pass the exam **if** he studies hard.

در آزمون قبول خواهد شد اگر به سختی درس بخواند

I'll finish the homework this afternoon **if** I have time.

تمریناتم را این بعد ازظهر تمام خواهم کرد اگر فرصت داشته باشم

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع دوم:

جملات شرطی نوع دوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط برای گوینده فرضی و غیر ممکن باشد. (مثلا اگر چینی صحبت می کردم.... یا اگر خانواده اش می دانستند و ...)

ساختار جملات شرطی نوع دوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ زمان آینده در گذشته , جمله شرط زمان گذشته ساده if

مثال :

If I spoke Chinese, I would apply for that job.

اگر می توانستم چینی صحبت کنم، برای آن کار درخواست می دادم.

If her parents knew about her tattoo, they would be angry.

اگر خانواده اش خالکوبی را می فهمیدند، عصبانی می شدند.

توجه : در قسمت شرط جملات شرطی نوع دوم، بجای **was** معمولا از **were**

استفاده می شود. مثال:

If I were you, I wouldn't go there.

اگر بجای تو بودم، به آنجا نمی رفتم.

If he were rich, he could help you.

اگر او پولدار بود، می توانست به شما کمک کند.



توجه: عبارتهای *as long as*, *unless*, *when*, *as soon as*, *until* می توانند بجای *if* در قسمت شرط بکار روند. مثال:

I'll buy the camera **as long as** it's cheap.
 I won't buy the camera **unless** it's cheap.
 We'll buy a car **when** we've saved enough money.
 We'll buy a car **as soon as** we've saved enough money.
 We won't buy a car **until** we've saved enough money.

☑ کاربرد **used to** :

used to به معنی (عادت داشتن به ...) جهت بیان عادت به انجام کاری در زمان گذشته بکار می رود. (که در زمان حال ترک شده باشد) مثال:

I **used to** drink too much coffee.
 در گذشته عادت به نوشیدن مقدار زیادی قهوه داشتم.

از آنجائیکه **used to** بیانگر زمان گذشته است، با استفاده از فعل کمکی **did** می توان جملات را سوالی و منفی نمود. مثال:

I **didn't use to** eat coffee.
 در گذشته عادت به نوشیدن قهوه نداشتم.

Did he **use to** avoid sweet?
 آیا او عادت به پرهیز از شیرینی داشت؟
 No, he **didn't**.
 خیر



📌 Vocabulary

(paint) brush
 adviser
 airy
 behavior
 bell
 bet
 biology
 break up (with somebody)
 cafeteria
 cafeteria
 capital
 ceiling
 celebrate
 celebration
 chemistry
 china cabinet
 classmates
 close friend
 coffee break
 coma
 comb
 competition
 contact (somebody)
 conventional
 coworker
 cross-country run
 cupboard
 dazed
 diary
 directory
 effective
 entrance
 except
 expect
 experiment
 extraordinary
 fall in love (with)
 fascinating
 finally

keep in touch (with)
 known
 leader
 literature
 lose touch (with)
 mail
 make an excuse
 math
 meet
 member
 methods
 minimalist
 modern
 one-story (house)
 painting
 patio
 period
 pet
 physics
 politician
 popular
 promise
 punish
 real
 realize
 rebel
 recognize
 register
 reply
 reveal
 review list
 second
 share
 shutters
 similar
 sip
 slightly
 socialize
 spacious



first of all
floor
friendship
gallery
geography
get along well (with)
get in touch with
get rid of
get to know
hand (something) in
hard
have (something) in common
history
huge
ideal
imagine
impractical
in return
in search of
information technology
intense
interrogate
intimate
invent

spacious
spreadsheet
statue
strands
stylish
superficial
surrounded by
tend to
upstairs
useful
view
web page
whiteboard
wonder



Unit 5

Grammar

☑ کاربرد Quantifier ها :

quantifiers (لغاتی که بیانگر کمیت و تعداد می باشند) به کلماتی اطلاق می شود که قبل از اسم (شمارشی یا غیر شمارشی) آمده و کمیت آنرا مشخص می کند. پرکاربردترین quantifier ها عبارتند از:

all(100%)

most(90%)

a lot of(80%) lots of(80%) many(80%) much(80%)

some(70%) any(70%)

a few(30%) a little(30%)

few(10%) little(10%)

none(0%)

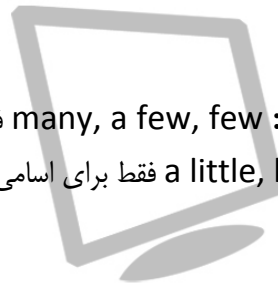
توجه: some به معنی چندتایی و مقداری ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

I've got **some** oranges.I've got **some** water.

توجه: از آنجاییکه some تنها در جملات مثبت بکار می رود، بجای آن در جملات منفی و سوالی از any استفاده می شود. مثال:

I haven't got **any** apples.Have you got **any** bread?

توجه: many, a few, few فقط برای اسامی شمارشی و کلمات much, a little, little فقط برای اسامی غیر قابل شمارشی بکار می روند.



☑ کاربرد **much, many, a lot of** :

much به معنی **مقدار زیاد** ماقبل اسامی غیر قابل شمارش و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

How **much** water is there?
There isn't **much** water.

many به معنی **تعداد زیاد** ماقبل اسامی قابل شمارش جمع و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

How **many** oranges are there?
There aren't **many** eggs.

a lot of به معنی **تعداد و مقدار زیاد** بجای **much** و **many** ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش و در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

There are **a lot of** oranges.
There is **a lot of** water.

☑ حرف تعریف نامعین :

به **a** و **an** که ماقبل اسامی قابل شمارش مفرد بکار برده می شوند، حروف تعریف نامعین گفته می شود. حرف تعریف نامعین به معنی (ی) در جملات بکار می رود. مانند **a book** (کتابی)

حرف تعریف **an** قبل از اسامی مفرد که با حروف صدا دار (**a, e, i, o, u**) و همچنین **h** نا ملفوظ) آغاز شده باشند بکار می رود. مثال:

an actress, **an** English singer

حرف تعریف **a** قبل از اسامی مفرد که با حروف بیصدا آغاز شده باشد، بکار می رود. مثال:

a dentist, **a** Spanish actor

☑ حرف تعریف معین :

the حرف تعریف معین بوده و ماقبل اسامی که برای مخاطب مشخص باشد بکار می رود. حرف تعریف the قبل از اسامی مفرد و جمع می تواند بکار برده شود. مثال:
 (همان) پنجره (که می شناسی) The window
 پنجره ای a window

حرف تعریف معین the در موارد زیر بکار می رود:

- ۱ - قبل از اسامی رشته کوه ها، رودخانه ها، اقیانوس ها، دریاها، مجموعه جزایر، بیابان و...
 - ۲ - قبل از اسامی روزنامه ها، شرکتهای دولتی و ملی، پست سازمانی و ...
 - ۳ - قبل از نام کشورهایی که ترکیبی از چند لغت باشند.
 - ۴ - قبل از اسامی ترتیبی مانند اول، دوم و ...
 - ۵ - قبل از صفات عالی
 - ۶ - قبل از اسامی منحصر به فرد مانند ماه، خورشید، زمین و ...
- مثال:

the Andes, the River Seine, in the Middle East
 The New York Time, The United Nation, The managing
 director
 The United Kingdom
 The first of March
 The best
 The moon, The North Pole

توجه: بنابراین حرف تعریف معین در مواردی از قبیل اسامی خاص، کوه های منفرد، مناطق، کشورها، جزیره های منفرد، شهر و دریاچه و .. بکار نمی رود. مثال:

She lives in Western Australia.
 They climbed Mount Everest.
 France is in Europe.
 President Obama

☑ کاربرد مصدر :

مصدر یا Infinitive همانند مصدر در زبان فارسی حالت اولیه و بدون زمان برای افعال می باشد. از آنجاییکه مصدر شامل **صورت اولیه فعل + to** می باشد، گاهی آنرا مصدر با **to** یا **Infinitive with to** می گویند. در مثال زیر **to go** مصدر می باشد:

I want you **to go** with him.

بطور کلی مصدر به تنهایی در جملات بکار نمی رود مگر بعد از بعضی افعال خاص. (مانند **want** در مثال قبل)
 پرکاربردترین افعالی که بعد از آن فصل دوم بصورت مصدر (با **to**) بکار برده می شود، عبارتند از:

want, agree, be sure, choose, decide, expect, hope, learn, need,
 plan, seem, wish, would like

توجه : در ترکیبات منفی مصدر، **not** قبل از **to** نوشته می شود. مثال:

I want you **not to go** there.



☑ کاربرد اسم مصدر :

اسم مصدر یا Gerund با افزودن ing به انتهای فعل ساخته می شود. مانند **painting** (به معنی نقاشی)

اسم مصدر بصورت اسم در جملات انگلیسی بکار می رود. مثال:

She enjoys **painting**.

They discussed **going** on vacation.

توجه : پس از افعال زیر اسم مصدر بکار می رود:

enjoy, feel, like, mind, practice, quit, suggest, would you mind, can't help, can't stand, to be used to

مثال:

I enjoy **watching** TV.

توجه : پس از حروف اضافه، فعل بصورت اسم مصدر بکار می رود. مثال:

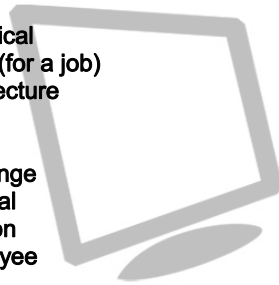
Thanks for **asking**.



📌 Vocabulary

aim
balance
encourage
flavor
global
increase
organic
protect
reduce
tragic
abroad
ban
benefit
counterrevolution
delighted
fridge
gym
hardly ever
instead
keep in shape
laugh
mass-produced
meditation
multinational
(work) overtime
promote
propose
remind
resident
rule
salary
see friends
succeed
survive
tip
tough
unemployment
value
wildlife

junk food
massage
pedicure
planet
play games
polish
sauna
sheets
skin
spa
stay in
steam
stick to
sticky
subject
tend to
thermal bath
topic
treatment
trivial
contestant
industry
judge
marketing
pretend
regret (doing)
sale
seem
TV series
also
analytical
apply (for a job)
architecture
boss
caring
challenge
criminal
election
employee



according to
gossip
however
in general
(finger) nails
on the other hand
smooth
soap
sticky
absent
admire
anniversary
be lost
cleansing
concentrate
DJ
facial
frivolous
fuel injection
glad
heaven

engineering
(be) fired
get a job
improvise
instinct
interview
optimistic
persuade (sb to do sth)
politics
professional
promoted
publishing
punish
résumé
salary
shake
spatial
stock market
swap
team
theoretical
unemployed



Unit 6

Grammar

☑ نقل قول مستقیم:

به جمله **علی گفت: "من به مدرسه می روم."** توجه نمایید. در زبان انگلیسی هرگاه جملات شخص غایب را عینا و بدون هیچ تغییری بیان کنیم، به آن نقل قول مستقیم گفته می شود. مثال:

Ali said, "I am going to school."

جهت بیان نقل قول مستقیم، از زمان مناسب فعل **say** و علامت (ر) استفاده می نماییم. سپس جمله مورد نظر را بدون هیچ تغییر داخل گیومه (" ") می نویسیم. مثال:

They said, "The weather is awful."

They said to me, "The weather is awful."

☑ نقل قول غیر مستقیم:

در نقل قول غیر مستقیم، جملات شخص غایب را با اندکی تغییر و با حفظ مفهوم آن بیان می کنیم. به جمله **علی گفت: "من به مدرسه می روم."** توجه نمایید. در نقل قول غیر مستقیم جمله فوق بصورت **(علی گفت که او به مدرسه رفت.)** نوشته می شود. مثال:

Ali said that he went to school.

توجه: برای تغییر جملات نقل قول مستقیم به نقل قول غیر مستقیم بصورت زیر عمل می کنیم:

۱ - علامت (r) را حذف نموده و بجای آن از رابط **that** استفاده می کنیم.

۲ - علامت (" ") را از جمله حذف می کنیم.

۳ - زمان جمله نقل شده را یک زمان به عقب می بریم.

۴ - در ضمائر فاعلی، مفعولی و صفات ملکی از الگوی زیر پیروی می کنیم:

I ► He / She

You ► I / We

We ► They

۵ - در صورت نیاز از الگوهای زیر برای تبدیل لغات استفاده می کنیم:

this ► that

these ► those

here ► there

now ► then

ago ► before

today ► that day

yesterday ► the day before

tomorrow ► the next day

مثال:

They said, "The weather is awful."

► They said that the weather was awful.

Dan said, "We all had the flu."

► Dan said that they had all had the flu.

توجه: رابط **that** در جملات غیر مستقیم می تواند حذف شود. مثال:

They said the weather was awful.

توجه: برای تبدیل جملات نقل قول مستقیم امری به نقل قول غیر مستقیم از الگوی

زیر پیروی می کنیم:

... + مصدر (با to) + مفعول + **said/told/asked** + فاعل

مثال:

He said, "Read the book."

▶ He asked me to read the book.

She told Dan, "Call me tomorrow."

▶ She told Dan to call her the next day.

توجه : اگر جمله نقل قول مستقیم درخصوص یک رویداد علمی و یا حقیقت انکار نشدنی باشد، هنگام نوشتن جمله نقل قول غیر مستقیم تغییر زمان نخواهیم داشت.

مثال:

They said that English is an international language.

☑ جملات معلوم و مجهول :

همانطور که در درسهای گذشته دیدیم ، به جملاتی که در آن فاعل نقش موثری را به عهده دارد و فعل جمله به فاعل آن بر می گردد، جمله معلوم گفته می شود. به جملاتی که در آن مفعول نقش موثری را به عهده دارد و فعل بصورت عمل انجام شده به مفعول نسبت داده شود، جمله مجهول می گویند. به جملات زیر توجه نمایید :

Ali sees me.

علی من را می بیند. (جمله معلوم)

I am seen.

من دیده می شوم. (جمله مجهول)

همانطور که می بینید جهت تبدیل جملات معلوم به مجهول، ابتدا مفعول را به ابتدای جمله آورده ، سپس فاعل را حذف نموده و فعل اصلی جمله را به صورت اسم مفعول آن به همراه زمان مناسب to be ذکر می کنیم.

✓ ساختار جملات مجهول حال ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + am/is/are + مفعول

مثال:

The police arrest criminals.

► Criminals are arrested.

✓ ساختار جملات مجهول حال استمراری:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + am/is/are + being + مفعول

مثال:

The police are arresting the murderer.

► The murderer is being arrested.

✓ ساختار جملات مجهول حال کامل:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + have/has + been + مفعول

مثال:

The police have arrested the burglars.

► The burglars have been arrested.

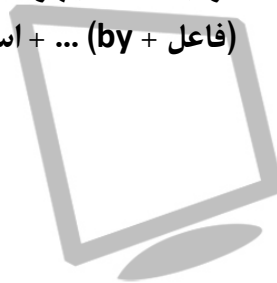
✓ ساختار جملات مجهول گذشته ساده:

(فاعل + by) ... + اسم مفعول + was/were + مفعول

مثال:

The police arrested the criminals.

► The criminals were arrested.



☑ ضمایر ربطی :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، ضمایر ربطی یا Relative Pronouns مانند **who, what, when, where, that** ضمایی هستند که برای اتصال مابین جملات اصلی و جملات تابع بکار می روند. مثال:

Fred is the man.

Fred cleans the school.

► Fred is the man **who** cleans the school.

فرد مردی است که مدرسه را تمیز می کند.

Relative Clause یا موصول به دو دسته موصول وصفی و غیر وصفی تقسیم می شوند. در موصول وصفی، جمله پیرو جهت توضیحات بیشتر درخصوص جمله پایه بیان می شود. مانند:

I saw the author **who wrote that book**.

در این جمله اگر عبارت **who wrote that book** حذف شود، جمله از نظر مخاطب گویا نخواهد بود.

موصول غیر وصفی به جملاتی گفته می شود که جهت توضیحات بیشتر درخصوص جمله پایه بیان می شود ولی حذف آن تاثیر چندانی در درک مخاطب نخواهد داشت. مثال:

My sister, **who is from Barcelona**, speaks Castellano and Catalan.

Sam, **whose father is a doctor**, is studying French.



Edinburgh, **which is in the east of Scotland**, is a beautiful city.

Edinburgh, **where we spent our holiday**, is a beautiful city.

The accident **happened on Tuesday**, when I was driving home.

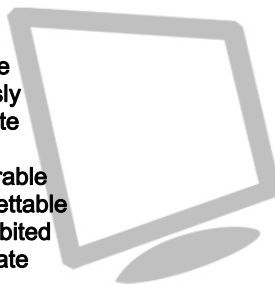
همانطور که می بینید، بکار بردن علامت (,) قبل و بعد از موصول غیر وصفی، ضروری می باشد. همچنین در جمله موصول وصفی که در آن ضمیر ربط بصورت مفعولی در جمله نوشته می شود، می توان ضمیر ربط را حذف نمود. در صورتیکه ضمیر ربط در موصول غیر وصفی قابل حذف شدن نمی باشد.



📌 Vocabulary

(filmed) on location
 argument
 asthma
 award
 battlefields
 branch
 breathtaking
 check
 choice
 compensate (for something)
 compensation
 complaint
 deliver
 delivery
 desk clerk
 destroy
 destroy
 diagnose
 disaster
 elegant
 for instance
 foundation
 goods
 guarantee
 guided
 guided tour
 hero
 hunger
 illness
 impressed
 in stock
 inspire
 instructions
 insult
 interpret
 interpreter
 justice
 laptop (computer)
 law

magnificent
 masterpiece
 movie crew
 movie set
 nicknamed
 nightmare
 objective
 otherwise
 out-of-date
 outstanding
 penny
 poster
 poverty
 prize
 racism
 racist
 raise (money)
 rebuild
 refugee
 refugee
 replace
 retailer
 royalty
 sack
 satisfactory
 scenery
 service
 software
 speech
 staff
 status
 suitable
 tirelessly
 translate
 trilogy
 unbearable
 unforgettable
 uninhabited
 vaccinate



Unit 7

Grammar

☑ کاربرد جملات شرطی غیر حقیقی نوع سوم:

جملات شرطی نوع سوم، زمانی استفاده می شود که انجام جمله شرط فقط در زمان گذشته امکان انجام داشته ولی انجام نگرفته باشد. (مثلا اگر چینی صحبت کرده بودم.... یا اگر خانواده اش دانسته بودند و ...)

ساختار جملات شرطی نوع سوم بصورت زیر می باشد:

جمله پاسخ آینده کامل در گذشته , جمله شرط گذشته کامل if

مثال :

If I had had a cell phone, I could have called you.

اگر یک گوشی موبایل داشته بودم، می توانستم با تو تماس بگیرم.

She wouldn't have been late if she had checked the map.

او دیر نمی کرد اگر نقشه را چک کرده بود.

☑ جملات پرسشی ضمیمه :

به جمله این فیلم ایرانی است، مگه نه؟ توجه نمایید. در زبان فارسی برای تاکید بر روی جملات پرسشی خود از عباراتی مانند (مگه نه) استفاده می کنیم. این عبارتها در زبان انگلیسی به Tag Question معروف بوده و جهت تایید کردن اطلاعات توسط مخاطب بیان می شوند.

مثال:

This film is from Iran, **isn't it?**

این فیلم ایرانی است، مگه نه؟

جهت افزودن Tag Question که در این درس به آن جمله پرسشی ضمیمه خواهیم گفت، به قوانین زیر توجه نمایید:

- ۱- اگر جمله پایه، مثبت باشد، جمله پرسشی ضمیمه، منفی خواهد بود و برعکس.
- ۲ - جمله پرسشی ضمیمه با استفاده از فعل کمکی و در زمان رویداد جمله اصلی ساخته می شود.
- ۳ - جمله پرسشی ضمیمه همیشه بصورت مخفف نوشته می شود. مانند **isn't it**
- ۴ - در زمان حال ساده بجای **amn't** از **aren't** برای جمله پرسشی ضمیمه استفاده می شود.

مثال :

You know that man, **don't you?**

She doesn't know where the museum is, **does she?**

She didn't have a ticket, **did she?**

Mary wasn't at the theater, **was she?**

My friends were at the cinema, **weren't they?**

Ali will go to the museum with us, **won't he?**

There won't be two films at the cinema, **will there?**

You aren't going to the cinema, **are you?**

توجه : در جملات امری ، جمله پرسشی ضمیمه بصورت **will you?** به معنی (ممکنه؟) نوشته می شود. مثال:

Sit in that row, **will you?**

Don't be late for the film, **will you?**

توجه : در جملاتی که با **Let's** آغاز شده باشند، جمله پرسشی ضمیمه بصورت **shall we?** نوشته می شود. مثال:

Let's go cinema, **shall we?**

☑ تلفظ صحیح جملات پرسشی ضمیمه :

در **جملات پرسشی مثبت**، معمولا پاسخ پرسش را نمی دانیم و هدف از پرسیدن سوال، دریافت پاسخ مناسب است. در این حالت جمله پرسشی را می بایست با آهنگ بالا ادا نماییم. به این صورت که در خاتمه جمله، صدا در اوج خود قرار بگیرد.

در **جملات پرسشی منفی**، قصد داریم تا پاسخ مثبت مخاطب را بدست آوریم. در این حالت جملات پرسشی را با آهنگ پایین ادا می کنیم. به این صورت که در خاتمه جمله، صدا در پایین ترین سطح خود قرار بگیرد. مثال :

You don't have a ticket to the cinema, **do you?**

Yes, It's in my pocket.

It's a great music, **isn't it?**

Yes, it's wonderful.

☑ جملات پرسشی غیر مستقیم :

همانگونه که در درسهای گذشته دیدیم، عبارتهای اسمی یا **Noun Clauses** مجموعه ای از کلمات مرتبط با هم از قبیل فعل، فاعل و مفعول بوده که بعنوان اسم در جملات ظاهر می شوند. مثال:

I don't know **who the author is.**

برای اتصال جملات پرسشی **yes/no** به جملاتی از قبیل **I don't know,**

Do you know, Could you tell me و ... از قوانین زیر پیروی می کنیم:

۱ - جمله را با یکی از عبارات مشابه زیر شروع می کنیم:

I don't know
I wonder
I'd like to know
Do you know
Could you tell me
Would you mind tell me

۲ - جمله پرسشی را از حالت سوالی خارج نموده و آنرا توسط **if** یا **whether** به جمله مورد نظر متصل می کنیم.

مثال :

Is it any good book here?

► I don't know **if it's any good book here.**

Did he like the novel?

► I wonder **whether he liked the novel.**

توجه: برای ارتباط جملات پرسشی با WH نیز مشابه قسمت قبل عمل کرده ولی بجای **if** یا **whether** از همان کلمه پرسشی WH استفاده می کنیم. مثال:

What's the book about?

► I don't know **what the book's about.**

☑ افعال دو جزئی :

افعال دو جزئی یا Phrasal Verbs ، افعالی هستند که از دو کلمه شامل فعل اصلی و حرف اضافه، تشکیل شده و معنی متفاوتی نسبت به فعل اصلی دارند. مانند turn on (روشن کردن)

برخی از افعال دو جزئی رایج عبارتند از:

turn on, turn off, fill up, try on, take off, put out, break up,
take out, give up, pick up, look up, put on, put off, turn up,
turn down

مثال :

I will **turn on** the car.

عبارت فوق بصورت زیر نیز می تواند نوشته شود:

I will **turn** the car **on**.

در این جمله مفعول مابین دو قسمت افعال دو جزئی قرار می گیرد.

توجه : اگر بجای مفعول از ضمائر مفعولی استفاده نماییم، ضمیر مفعولی می بایست مابین دو قسمت افعال دو جزئی نوشته شود. به عبارت دیگر جملات زیر از نظر نگارش صحیح بوده و معنی واحدی می دهد:

I will turn off **the light**.

I will turn **the light** off.

I will turn **it** off.

ولی جمله زیر نادرست است:

~~I will turn off it.~~

توجه : برخی از افعال دو جزئی قابلیت جداسدن از هم را نداشته و همواره بصورت

یک ترکیب مورد استفاده قرار می گیرند. نمونه ای از این افعال عبارتند از:

look for, search for, think of, look for, hold on, get on,
catch on, get off, keep on, ask for, fall off,

مثال:

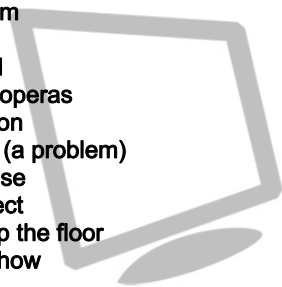
I am **looking for** my book.

به عبارت دیگر جمله زیر نادرست می باشد:

~~I am looking my book for.~~

📌 Vocabulary

(a) cold	leave behind
(a) well	light bulb
achieve (a goal)	list
associate	live off (the land)
battery	living
bring up (children)	luck
brutal	lucky
bump into (something/somebody)	make fun of
cabin crew	member
candle	merchant
cardiologist	miss
careful	miss (somebody)
careless	murder
century	murderer
charge	mystery
convince	nod
cough	panic
detective	press (a button, etc.)
dice	prove
discuss	quiz show
DNA	reality show
effort	realize
electricity	rise
embarrassed	robbery
emergency	routine
engagement	rub
fall asleep	rush
fascinated	sarcasm
fear	schedule
fiancé	scream
fictional	seem
first and foremost	signal
flexible	soap operas
foggy	solution
forehead	solve (a problem)
fortunate	surprise
freezer	suspect
gadget	sweep the floor
genuine	talk show



godparents
 grow (something)
 habit
 heart attack
 incredible
 inhabitant
 innocent
 instinct
 invent
 iron
 iron
 ironic

technique
 terminal
 theory
 towel
 TV channel
 unfortunate
 unlucky
 vacuum cleaner
 vague
 vary
 victim
 wedding
 witness



Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Food and restaurants</p> <p>appetizers baked potatoes beans boiled rice desserts duck fish fork fresh fried eggs frozen fruit glass grilled fish homemade knife lettuce low-fat main courses meat napkin peaches pepper plate raw roast chicken salmon salt sausage seafood shrimp spicy spoon steamed vegetables strawberries sweet takeout vegetables</p>	<p><input checked="" type="checkbox"/> Sports</p> <p>beat captain coach course court do fan field get in shape get injured go lose play players pool referee score slope spectators stadium sports arena team tie track train warm up win</p> 
---	--

Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Personality affectionate aggressive ambitious bossy charming clever competitive dishonest disorganized friendly generous hardworking honest imaginative impatient independent insecure insensitive irresponsible jealous kind lazy manipulative moody organized outgoing patient quiet reliable responsible self-confident selfish sensible sensitive shy sociable spoiled stingy stupid</p>	<p>talkative unambitious unfriendly unimaginative unkind unreliable unselfish unsociable</p>
	<p><input checked="" type="checkbox"/> Money ATM be worth bill borrow can't afford charge coin cost earn inherit invest lend loan mortgage owe salary save take out tax waste</p> 

📌 Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Transportation and travel</p> <p>aisle baggage claim bike bike lane boarding card / pass bus car check-in counter car crash flight gas station gate highway helmet journey land luggage motorcycle parking lot parking ticket pedestrian area platform public transportation rush hour seat belt speed limit streetcar suitcase take off taxi taxi stand the subway ticket office traffic jam traffic light train station trip truck van</p>	<p><input checked="" type="checkbox"/> Describing people</p> <p>about attractive bald bangs beard beautiful blond brown curly dark early fat forties good-looking gray hair handsome heavy late long medium height mid- mustache overweight plain ponytail pretty red short shoulder-length slim straight tall thin ugly wavy well built</p> 
--	--

Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Education</p> <p>behave cheat college discipline do homework elementary school fail graduate learn leave math pass preschool principal private school professor public school review schedule secondary school semester start strict student study subject take test results uniform</p>	<p><input checked="" type="checkbox"/> Houses</p> <p>apartment building armchair balcony bathroom bedroom bedside table chimney coffee table cottage dishwasher downtown dresser fence garage garden gate house kitchen living room patio porch residential area roof second floor shower small town steps stove suburbs country toilet townhouse village yard</p>
--	---

Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Work</p> <p>accountant actor chef conductor contract electrician employee employer experience full-time in charge of in college lawyer librarian part-time permanent plumber psychologist qualifications quit responsible (for) retire scientist self-employed temporary training course working hours</p>	<p><input checked="" type="checkbox"/> Shopping</p> <p>bakery bargain basket bookstore buy on credit buy online cash register complain customer department store discount drugstore / pharmacy farmers' market flower shop I'm just looking manager newsstand pay sales tax receipt refund sale salesperson sell shoe store stand in line store window shopping cart shopping mall stationery store supermarket travel agency try on</p>
--	---

Topic wordlist

<p><input checked="" type="checkbox"/> Phrasal verbs</p> <p>ask for break up bring up bump into call back calm down check in eat out find out get along with get back get up give away give up go out grow up hand in hang up keep on look forward to look out make into make up pass away pick somebody up pick something up plug in sell out set off set up slow down take back take off take out take up throw something away</p>	<p>turn down turn off turn on turn up warm up</p>
	<p><input checked="" type="checkbox"/> Movies</p> <p>action movie audience based on cast comedy direct director dub extra film horror movie musical play the part plot scene science fiction script sequel set shoot on location soundtrack special effects star subtitles thriller western</p>

منابع و مراجع

- Clive Oxenden & Christina Latham-Koenig, American English File 3, Oxford University Press 2008
- Mark Hancock & Annie McDonald, English Result Intermediate, Oxford University Press 2010
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3rd Edition, Cambridge University Press 2010
- Alireza Motamed, TDictionary, TahlilGaran 2012
- Alireza Motamed, PersianVi Intermediate, TahlilGaran 2010

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی تحلیلگران

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارتهای زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی گروه آموزشی انتشارات تحلیلگران مراجعه نمایید:
www.TahlilGaran.org